

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علوم و فنون ادبی (۱)

درس یازدهم

قافیه

تهیه کننده:

صبا گلی فرهود

دیر دیرستان رحمانی یک

شهرستان مراغه

اردیبهشت ۹۹

خواندیم که **شعر**، سخنی خیال انگیز، موزون و سرشار از عاطفه و احساس است.

**وزن به شعر**، زیبایی می بخشد و آن را اثرگذار می سازد. اگر وزن شعری را برهم  
بزنیم، خواهیم دید که تا چه میزان از زیبایی و تاثیر آن کاسته می شود.

## مثال شعر:

آب زنید راه را، هین که نگار می رسد // مژده دهید باغ را بوی بهار می رسد (مولوی)

اگر این بیت به صورت بی وزن درآید، در میابیم که زیبایی و شورانگیزی اش را از دست داده است:

هین، راه را آب زنید که نگار می رسد // باغ را مژده دهید بوی بهار می رسد  
پس، وزن برای شعر لازم است چون معنای شعر را با لحن و وزن خوب به گوش می رساند.

یکی دیگر از بایسته های شعر که بر بار موسیقایی و خوش آهنگی آن می افزاید، «**قافیه**» است.

**قافیه** به زیبایی شعر می افزاید و گوش را نوازش می دهد.

به بیت زیر توجه کنید:

✓ یارب، سببی ساز که یارم به سلامت // باز آید و برهاندم از بند ملامت

اگر قافیه آن را تغییر دهیم به صورت زیر در می آید که زیبایی و خوش آهنگی اول را ندارد:

✗ یارب، سببی ساز که یارم به سلامت // باز آید و برهاندم از بند غریبی

همان گونه که میبینیم، با آنکه تقریباً همه واژگان یکسان هستند، اما فقط با تغییر واژه های قافیه، ضرب آهنگ موسیقایی و طنین پایانی سخن را از دست داده ایم.

## قافیه و شعر

شب عاشقان بی دل، چه شبی دراز باشد // تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد (سعدی)

واژه «باشد» در آخر دو مصرع ردیف نام دارد و «دراز» و «باز»، واژه های قافیه است.

**ردیف:** کلمه یا کلماتی که بعد از واژه قافیه، عینا (از نظر لفظ و معنی) تکرار می شود.

**قافیه:** واژه هایی است که غالبا در پایان مصراع ها آورده می شود و حرف یا حروف آخر آنها مشترک است.

**حروف قافیه:** حرف یا حروف مشترکی است که در آخر واژه های قافیه می آید. در شعر زیر:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست // عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی)

«ازوست» ردیف است و «عالم» واژه های قافیه و «م» حروف قافیه.

در شعر زیر:

چنین داد پاسخ فریدون که تخت      نماند به کس جاودانه نه بخت (فردوسی)

«تخت» و «بخت» واژه های قافیه هستند و «-م» حروف قافیه.



## قواعد قافیه

### قاعدهٔ ۱:

هر یک از مصوت های /ا/، /او/ به تنهایی اساس قافیه قرار می گیرند.

در بیت زیر، واژه های «رعنا» و «ما» هم قافیه هستند و حرف مشترک آنها مصوت // است:  
صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را // که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را (حافظ)

در بیت زیر:

یار بد، مارا است هین بگریز از او // تا نریزد بر تو زهر، آن زشت خو (مولوی)

مصوت /او/ حرف قافیه است.

## قاعدهٔ ۲:

گاهی یک مصوت با یک یا دو صامت پس از خود، قافیه می سازد:

### مصوت + صامت (+ صامت)

مانند:

کی شعرتر انگیزد خاطر که حزین باشد؟ // یک نکته از این معنی، گفتیم و همین باشد (حافظ)  
در این شعر «ین» (مصوت + صامت) حروف قافیه و «حزین» و «همین» واژه های قافیه هستند. این الگوی قافیه در شعر فارسی رایج است. در شعر زیر:

کسی دانه نیک مردی نکاشت // کزو خرمن کام دل برنداشت (سعدی)

«نکاشت» و «برنداشت» واژه های قافیه و «اشت» (مصوت + صامت + صامت) حروف قافیه است.

در این شعر:

نکونام و صاحب دل و حق پرست // خط عارضش خوش تر از خط دست (سعدی)  
«حق پرست» و «دست» واژه های قافیه و «-» (مصوت+صامت+صامت) حروف قافیه است.

تبصره: به آخر واژه های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جز حروف مشترک قافیه اند و رعایت آنها لازم است:

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی  
+یی حرف قافیه است: ا حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و یی حروف الحاقی.

## حروف الحاقی عبارت است از:

شناسه ها، ضمایر متصل، پسوندها، مخفف صیغه های زمان حال بودن (مَ، ی، یم، ید، -ند) و «ی» آخر بعضی از واژه های مختوم به ا و و مثلا در واژه های «خدای»، «جای»، «موی»، «بوی».

**تذکره: برای پیدا کردن قافیه هر شعر ابتدا به سر لغ ردیف می رویم، سپس واژه های قافیه و در آنها اول حروف الحاقی و سپس حروف اصلی را مشخص می کنیم.**

قدما آخرین حرف اصلی کلمه را «**روی**» می نامیدند.

توجه: بعضی از شاعران برای غنی تر کردن موسیقی شعر، در درون مصراع ها نیز قافیه می آورند  
(یعنی قافیه درونی)

مثال:

مردم بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم // دولت عشق آمد و من و دولت پاینده شدم  
دیده شیرست مرا، جان دلیر است مرا // زهره شیرست مرا، زهره تانبد شدم (مولوی)

گاهی هم شعر دارای **دو قافیه پایانی (ذوقافینین) است** که قافیه اصلی در واژه های آخر  
مصراع هاست.

طرفه می دارند یاران صبر بر داغ و درد // داغ و دردی کز تو باشد خوش تر از باغ و ورد (سعدی)

## تذکر

شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد: مثلاً در این شعر سعدی:

پیوند روح می کند این باد مشک بیز // هنگام نوبت سحر است ای ندیم، خیز (سعدی)

از نظر آوایی واژه های «حیض، لذیذ، غلیظ» می توانند با «مشک بیز و خیز» هم قافیه شوند: اما به دلیل اینکه شکل نوشتاری آنها متفاوت است، قافیه کردن آنها درست نیست.

## قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو، محدودیت های شعر کهن را ندارد و در اینجا شاعر خود را اسیر قافیه نمی سازد، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع قافیه دار به کار گرفته است.

مثال:

از تهی سرشار // جویبار لحظه ها جاری است //

چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ //

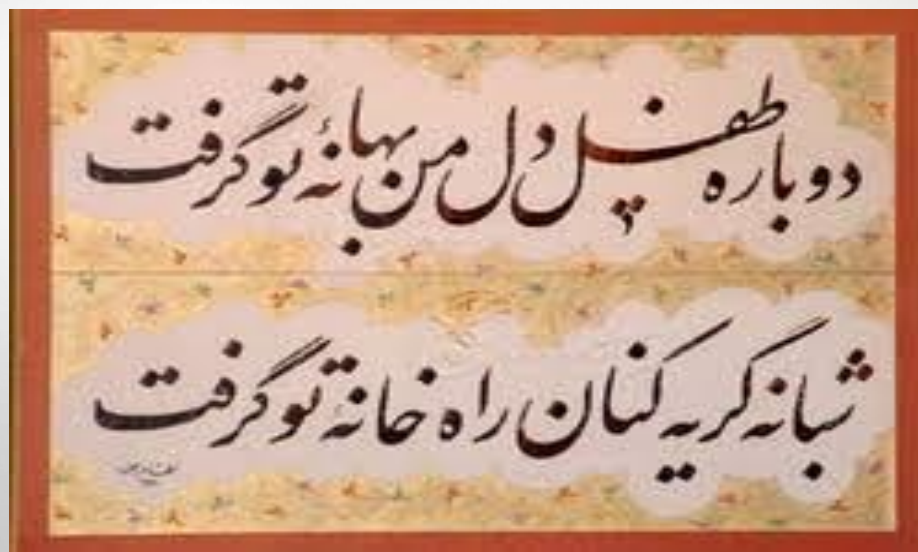
دوستان و دشمنان را می شناسم من // زندگی را دوست دارم // مرگ را دشمن //

وای اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم // که به دشمن باید از او التجا بردن //

جویبار لحظه ها جاری...

(اخوان ثالث)

# ممنون از توجه شما



اردیبهشت، ۱۳۹۹ / دبیر علوم و فنون ادبی: صبا گلی فرهود